

شرایطی که دولت ترامپ برنامه گسترش توافقات ابراهیمی ۲۰۲۰ را به دیگر کشورهای مردد عرب دارد.

▼ مرزهای متغیر

مرزهای اسرائیل بزرگ مکرراً تغییر کرده‌اند، بسته به فرصت‌هایی که در هر مقطع در دسترس است. در سال ۱۹۰۴، تئودور هرتزل، مرزهای اسرائیل بزرگ را از نهر مصر (که در عبری ناخال مبتزازایم خوانده می‌شود) را رود فرات که از میان سوریه و عراق می‌گذرد، می‌گستراند. این عبارت، بعد از جنگ شش روزه سال ۱۹۶۷، دوباره ظاهر شد، وقتی حزب لیکود آن را به عنوان برنامه سیاسی خود در مسیر انتخاب مناخیم بگین به عنوان نخست‌وزیر در سال ۱۹۷۷ به کار برد. سپس خود او شروع کرد، نام مذکور در کتاب مقدس، یعنی «یهودا و سامره» را برای کرانه باختری به کار ببرد و تبلیغ شهرک‌سازی یهودی در آن منطقه را پیش بگیرد. در سال ۲۰۲۲، بنزالی اسموتریچ، وزیر دارایی اسرائیل که در سال ۲۰۱۹، رهبر حزب خانه یهودی شد، گفت مرزهای اسرائیل باید شامل قلمروهایی در سوریه، لبنان، مصر، عراق و عربستان سعودی باشد. کمی پیشتر در همین سال جاری، وزارت امور خارجه اسرائیل نقشه‌ای منتشر و ادعا کرد مربوط به هزاران سال پیش است. این نقشه قلمرو پادشاهی یهودی بود که علاوه بر اسرائیل، کرانه باختری و غزه، شامل بخش‌هایی از مصر، سوریه، لبنان و اردن می‌شد.

سازمان شبه‌نظامی ایرگون به رهبری زیو جابوتینسکی و آوراهام تهومی از ۱۹۳۱ تا ۱۹۴۸، در فلسطین تحت قیمومیت بریتانیا عملیات می‌کرد. این سازمان، فلسطین تاریخی را شامل «فرارادن» (اردن کنونی) تعریف می‌کرد و این‌ البته لزوماً توصیف اسرائیل بزرگ نبود. پدر بنیانگذار اسرائیل و اولین نخست‌وزیرش، دیوید بن گوریون، بر این باور بود که مرزهای دولت یهودی در نهایت گسترش خواهند یافت و فراتر از چیزی خواهند رفت که در آن زمان اعمال شده بود، گرچه نه لزوماً از طریق جنگ. نتانیاها حالا در تلاش است، چشم‌انداز بن گوریون را به واقعیت تبدیل کند.

▼ گسترش اسرائیل

نتانیاهاو در مصاحبه اخیرش، تعهدش را به مفهوم اسرائیل بزرگ اعلام کرد و سیاست‌های توسعه‌طلبانه خود را به عنوان پروژه‌ای مربوط به کتاب مقدس ابراز کرد. او از اسرائیل بزرگ به عنوان مأموریتی گفت که از نسل به نسل دیگر دست‌به‌دست شده و تأکید کرد، موفقیت این پروژه، در مرحله‌ی متوالی واقع خواهد شد که با برپایی دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ شروع شده است. نتانیاهاو باور دارد مشغول مأموریتی خدایی است که اشتباهات رهبران پیشین اسرائیل را اصلاح کند. این شامل ناکامی دیوید بن‌گورین در اخراج فلسطینیان از قلمرو دولت تازه‌برپاشده اسرائیل در سال ۱۹۴۸، امضای پیمان اسلو توسط اسحاق رابین در سال ۱۹۹۲ و خروج آریل شارون از نوار غزه در سال ۲۰۰۵ هم می‌شود.

نتانیاهاو معین نکرد تعریف او از اسرائیل بزرگ، کدام قلمروها را در بر خواهد گرفت؛ اما اقدامات اخیر او حاکی از این هستند که جاه‌طلبی‌های سرزمینی‌اش فراتر از فلسطین تاریخی می‌رود. از زمان سقوط رژیم اسد در دمشق، اسرائیل کنترل خود را در مناطق تازه‌ای از سوریه گسترش داده

بخشیده است. همین اواخر، ترکیه، طرح صلح بالکان را کلید زد و میزبان نشست‌ی در استانبول شد، با وزرای خارجه بوسنی و هرزگوین، مونته‌نگرو، مقدونیه شمالی، صربستان و کوزوو و نیز معاون وزیر خارجه آلبانی. بیشتر این‌ها به خاطر روسیه ممکن شده است. نزول روسیه، به‌خصوص پس از حمله‌اش به اوکراین، برای محدوده جنوبش پیامدهایی دارد و ترکیه توانایی منحصربه‌فردی برای بهره‌مندی از منافع آن دارد. در سال‌های پیش رو، توانایی مسکو برای نمایش قدرت در حوضه آبریز دریای سیاه ضعیف خواهد شد.

تا همین جای کار هم آنکارا نقش‌آفرینی دریایی خود را در دریای سیاه افزایش داده است؛ هم یک‌جانبه و هم در همکاری با ناتو. ترکیه همچنین خود را در موضع میانجی بین روسیه و اوکراین قرار داده است. به همین شکل، در فرایند ارتقای سطح تجارت، اتصال و روابط امنیتی با گرجستان، رومانی و بلغارستان نیز هست.

در عرصه ژئوپلیتیک، ظهور قدرتی بزرگ فقط به داشتن قدرت و جاه‌طلبی بسته نیست، بلکه به فرصت پیگیری این دو نیز بستگی دارد. به نظر می‌رسد ترکیه چنین شرایطی را دارد. موقعیتی ژئوپلیتیکی و راهبردی دارد که در اروپا، خاورمیانه و مدیترانه گسترده شده است. این موقعیت، بیش از یک قرن به ترکیه فشار می‌آورد؛ اما در ترکیب با ظرفیت‌های نظامی و اقتصادی کنونی‌اش، این وضعیت حالا این وعده را با خود به همراه دارد که ترکیه را از محدودیت‌هایش رها کند. با توجه به مشکلات داخلی ترکیه، باید دید آیا می‌تواند از این فرصت‌ها استفاده کند یا نه.

است، به‌خصوص قله راهبردی جبل‌الشیخ و حوضه آبریز رودخانه یرموک. نابودی رژیم اسد و عقب‌نشینی منطقه‌ای ایران، خلأیی راهبردی در سوریه ایجاد کرد که اسرائیل بلافاصله با نابودکردن توپخانه نظامی سوریه و تصرف قلمرو فراتر از خط آتش‌بس سال ۱۹۷۴، از آن بهره برد. اسرائیل جنوب سوریه را منطقه‌ای غیرنظامی اعلام کرد. این اقدام، متحدان دروزی‌اش در استان سویدا را تشویق کرد، خواستار بازگشایی خط تأمینی شوند که محدوده تحت کنترل‌شان را به قلمرو تحت تسلط «نیروهای دموکراتیک سوریه» یا قسد، به رهبری کردها، وصل کند. این جاده که به عنوان «گذرگاه داوود» شناخته می‌شود، تا شرق فرات، گسترش می‌یابد و در راستای مرز سوریه با اردن و عراق پیش می‌رود. چنین پروژه‌ای، ژئوپلیتیک سوریه را متحول می‌کند و به اسرائیل اجازه می‌دهد تا نفوذ بیشتر در سوریه و شمال عراق حاصل کند؛ به‌علاوه، تسهیل‌گر روابط اقتصادی مستقیم بین کردها در سوریه و عراق خواهد بود و به این ترتیب این امکان را فراهم می‌کند که خط لوله نفتی از کرکوک به حیفا کشیده شود. همزمان در لبنان، اسرائیل پنج نقطه از ارتفاعات راهبردی را اشغال کرد و محدوده امنیتی‌ی را در شمال رود لیتانی، گسترش داد. تهدید هم کرد که اگر نبرد با حزب‌الله ادامه پیدا کند، به لبنان حمله خواهد کرد.

▼ پیشنهاد گذرگاه داوود

از این رو، این تصرفات سرزمینی در قلب چشم‌انداز نتانیاهاو برای خاورمیانه جدید است. در نتیجه، توسعه‌طلبی اسرائیل ساکنان را از مناطقی که نفوذ و تحکم ادعای اسرائیل روبه‌افزایش است، آواره کرده و مانع از بازگشت آن‌ها به روستاها و سرزمین‌هایشان شده تا برای مراحل جدید این توسعه‌طلبی آماده شود. اسرائیل بزرگ نمی‌تواند در یک حرکت سریع حاصل شود؛ پروژه‌ای که گام‌به‌گام در طول چندین سال واقع خواهد شد.

▼ برنامه راهبردی

برخی از افسران ارشد بازنشسته، روزنامه‌نگاران و دانشگاهیان اسرائیل، این چشم‌انداز پرطمطراق نتانیاهاو را به انتقاد گرفته‌اند. او را متهم کرده‌اند، تمایلات خودشیفتگانه خود را ابراز می‌کند، شامل غرور، تلاش برای برتری و کنترل، گرایش به تحکم و رقابت و نیز فقدان همدلی نسبت به دیگران. حتی آلمان که بابت هولوکاست، نسبت به مردم یهود احساس گناه تاریخی دارد، تصمیم دولت اسرائیل برای ساخت هزاران واحد مسکونی را که بخش‌های شمالی و جنوبی کرانه باختری را از هم جدا می‌کند، رد کرده است. وزیر امور خارجه اسپانیا، این واحدهای مسکونی را نقض قوانین بین‌المللی خوانده؛ قوانینی که طبق آن‌ها کرانه باختری قلمرو اشغالی است. او البته تا آن حد پیش نرفت که بابت متوقف‌نکردن خشونت‌های شهرک‌نشینان علیه فلسطینیان و فراهم کردن پوشش برای حملات آن‌ها، انتقاد کند.

چندین کشور عربی، موضع‌گیری‌های نتانیاهاو درباره اسرائیل بزرگ را محکوم کرده‌اند و گفته‌اند این پروژه خودمختاری دیگر کشورهای منطقه را تهدید می‌کند. امارات متحده عربی که حتی پیش از امضای پیمان‌های ابراهیمی در سال ۲۰۲۰، روابطی نزدیک را با اسرائیل

برقرار داشت، گفته است حرف‌های نتانیاهاو، یکپارچگی سرزمینی چندین دولت عرب را تهدید و چشم‌انداز صلح در خاورمیانه را تضعیف می‌کند. وزیر امور خارجه مصر، خواستار توضیح و تصریح در این باره شده و گفته است، این حرف‌ها محرک بی‌ثباتی است و لحنی در جهت تشدید تنش‌ها دارد. دولت عراق به لحن توسعه‌طلبانه نتانیاهاو اشاره کرده و گفته است این مسئله امنیت و ثبات را در منطقه تضعیف می‌کند. عربستان سعودی بر حق قانونی و تاریخی مردم فلسطین برای برپایی کشوری مستقل تأکید کرده است.

اسرائیل، در حالی که از فرصت استفاده می‌کند و به سمت تحقق پیش‌بینی کتاب مقدس تحت گفته نتانیاهاو حرکت می‌کند، همچنان به انکار هویت ملی فلسطینی‌ها ادامه می‌دهد. اسرائیل، وجود ملتی با حافظه جمعی را به رسمیت نمی‌شناسد. حاضر نمی‌شود با آن‌ها مذاکره کند و وقتی آن‌ها دست به قیام می‌زنند، آن‌ها را تروریست می‌خواند. غرب به خاطر هولوکاست با جاه‌طلبی‌های این دولت یهودی همدلی می‌کند، جاه‌طلبی‌هایی که در آن‌ها فلسطینیان هیچ نقشی ایفا نمی‌کنند. بیش از یک قرن بود که فلسطینیان از تراژدی بی‌سابقه‌ای رنج می‌برده‌اند، در حالی که صهیونیست‌ها در حال ساخت سرزمینی ملی برای مردم یهودی بوده‌اند، فرایندی که با صدور اعلامیه دارفور از سوی بریتانیا در سال ۱۹۱۷ شروع شد. از زمان نشست پالتیمور در سال ۱۹۴۲، ایالات متحده به قدرت جهانی اصلی تبدیل شده که از پروژه ملی یهودی حمایت می‌کند.

آوارگی گسترده فلسطینیان (که خود فلسطینیان از آن به عنوان «نکبت» یاد می‌کنند) روابط اجتماعی آن‌ها را بریده، تا حد زیادی آن‌ها را تبدیل به پناهجویانی مستضعف کرده، دستشان را از ریشه‌های تاریخی‌شان کوتاه کرده و مجبورشان کرده در محیطی از ناامنی و خصومت سر کنند. هفته گذشته، صدای ضبط‌شده‌ای افشا شد که در آن، آهارون هالیو، رئیس سابق اطلاعات اسرائیل می‌گوید، نابودکردن ۵۰ هزار فلسطینی «برای نسل‌های آینده لازم و ضروری» بوده است. او اضافه می‌کند که به ازای هر اسرائیلی کشته‌شده در حمله ۷ اکتبر حماس، باید ۵۰ فلسطینی کشته شود، فرقی هم نمی‌کند آن‌ها کودک باشند یا بزرگسال. به گفته او، فلسطینیان هرازگاهی «یک نکبت لازم دارند تا هزینه ماجرا را احساس کنند».

اسرائیلی‌ها از یک خاطره جمعی تروما رنج می‌برند. فلسطینیان نیز همین طور؛ اما در حالی که هولوکاست منجر به ایجاد همدلی جهانی با رنج یهودیان اروپا شد، دنیا تازه همین اواخر رنج فلسطینیان را دریافته است. اسرائیل سر بر آورده و به قدرت نظامی قهری در خاورمیانه تبدیل شده اما با وجود این، نمی‌تواند چنان که نتانیاهاو وعده می‌دهد، پیروز یک درگیری نسلی باشد. در قرن چهاردهم، جنگجویان صلیبی بعد از دو قرن جنگ، علاقه خود را به تصرف سرزمین‌های مسلمانان از دست دادند و علی‌رغم اینکه از شکست مستقیم اجتناب کرده بودند، از خاورمیانه عقب نشستند. برای اسرائیل، صلح متعادل همچنان گزینه بهتری است تا ماجراجویی و حرکت به سمت تصرفات حفظ‌ناشدنی، البته اگر رفاه و خوشی نسل‌های آینده‌اش مهم باشد.

ترجمه: روح‌اله نخعی

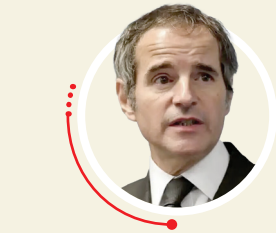


دیپلمات‌ها



زن‌گزار علیه ایران نیست

رئیس جمهور جمهوری آذربایجان روایت‌ها درباره قصد باکو برای اشغال کریدور زن‌گزار را رد و تأکید کرد که روابط آذربایجان با ایران، مبتنی بر روابط میان دولت‌ها، رؤسای جمهور ووزیران امور خارجه دو کشور است، الهام علی‌اف اظهار داشت: «روابط بین‌دولتی ما، بین دولت‌ها، بین رؤسای جمهور و بین وزرای امور خارجه است. بنابراین، ما روایت‌های دروغین در این باره را کاملاً نادیده می‌گیریم.» او خاطرنشان کرد که «همه چیز روشن است. موضع رئیس جمهور کاملاً منطقی است و بر این اساس است که کریدور زن‌گزار به هیچ وجه تهدیدی برای ایران نیست.» علی‌اف که باشبکه تلویزیونی العربیه گفت‌وگومی کرد، افزود: «ما سیاست خود را بر اساس سیاستمدارانی بنا می‌کنیم که توسط مردم ایران انتخاب شده‌اند و وظیفه اجرای وظایف خود را دارند و این رئیس جمهور است. من نمی‌دانم دیگران چه نوع توصیه‌ای می‌دهند. بنابراین، این موقعیت اصلاً برای ما مهم نیست.» او تصریح کرد: «به نظر من، این یک موقعیت برد-برد برای کل منطقه خواهد بود و هیچ بازنده‌ای وجود نخواهد داشت و من می‌دانم که دولت ایران، در پاسخ به سوال شما، این را درک می‌کند و آذربایجان تمام تلاش خود را برای تقویت همکاری منطقه‌ای بین همه کشورهای منطقه انجام خواهد داد.»



مکانیسم ماشه امروز فعال می‌شود

رویترز به نقل از چهار دیپلمات گزارش داد: بریتانیا، فرانسه و آلمان احتمالاً روند بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران را از روز پنجشنبه (امروز) آغاز خواهند کرد، اما امیدوارند تهران ظرف ۳۰ روز تعهداتی درباره برنامه هسته‌ای خود ارائه دهد که آن‌ها را متقاعد کند اقدام عملی را به تعویق بیندازند. منابع اروپایی به رویترز گفتند: بعد از اجرای مکانیسم ماشه اعمال مجدد تحریم‌ها علیه ایران ۳۰ روز طول خواهد کشید. از سوی دیگر، رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: «اروپایی‌ها به صورت جدی در حال بررسی فعال‌سازی مکانیزم ماشه هستند. بدون نظارت آژانس، هیچ مذاکره جدی‌ای نمی‌تواند شکل بگیرد، به‌ویژه اگر بخواهید از تکرار آنچه در ژوئن دیدیم جلوگیری کنید.»